

چکیده

موضوع «علل فرار دختران از خانه»

هدف: نشان دادن درستی این مطلب که نابسامنی جو عاطفی خانواده، ارتباط

بین دختر و پسر فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده و فشار روانی از جانب

مدرسه و مشکلات تحصیلی از علل اصلی فرار دختران از خانه می باشند.

فرضیه های تحقیق

۱- نامساعد بودن جو عاطفی خانواده احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می

دهد.

۲- ارتباط بین دختر و پسر، احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۳- فقر اقتصادی احتمال فرار دختران از خانه را افزایش می دهد.

۴- فقر فرهنگی خانواده (سطح تحصیلات والدین، اعتیاد والدین و کثرت جمعیت

خانواده) احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۵- احساس فشار روانی از جانب مدرسه و مشکلات تحصیلی، سبب فرار دختران

از خانه می شود.

برای اجرای تحقیق، تعداد ۶۰ نفر از دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله ای که اقدام به فرار

داشتند به عنوان گروه مطالعه و ۶۰ نفر دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله عادی به عنوان نمونه

در نظر گرفته شد و سپس از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان ابزار تحقیق استفاده

شد.

نتایج تحقیق

۱- نامساعد بودن جو عاطفی خانواده احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۲- ارتباط بین دختر و پسر، احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۳- فقر اقتصادی احتمال فرار دختران را از خانه افزایش نمی دهد.

۴- فقر فرهنگی خانواده (سطح تحصیلات والدین، اعتیاد والدین و کثرت جمعیت

خانواده) احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۵- احساس فشار روانی از جانب مدرسه و مشکلات تحصیلی، سبب فرار دختران

از خانه می شود.

کلید واژه: فرار از خانه

مقدمه

انسان در طول تاریخ از انواع انحراف ها و آسیب های اجتماعی و روانی رنج برده و همواره در جستجوی علل و عوارض آن و رهایی از این مسائل بوده است. یکی از این انحراف ها و آسیب ها فرار دختران از خانه است که امروز به عنوان یک بحران جامعه، بخصوص شهر تهران را درگیر نموده است. این معضل روز به روز گسترش بیشتری می یابد و سلامت و رشد افراد جامعه و بخصوص نوجوانان و جوانان را تهدید می نماید.

اگر کودکان و نوجوان که آینده سازان کشور هستند، در مسیر انحراف و بزهکاری قرار گیرند، به زودی جامعه خود را به ورطه فساد و تباهی می کشانند. بدون تردید

جامعه‌ای قادر است در جهت ترقی گام بردارد که بتواند کودکان و نسل جوان خود را از بیراهه به راه راست و در جهت سازندگی هدایت نماید.

مسئولیت جامعه در مورد کودکان و نوجوانان فراری از خانه و در معرض خطر به مراتب سنگین تر از مجرمین بزرگسال است. براساس اصل پیشگیری مقدم بر درمان است. برای جلوگیری از صرف هزینه های گزاف و اتلاف وقت به جهت بازداري افراد از آسیبهای اجتماعی و مفساد، و رعایت اصل پیشگیری مقدم بر درمان است. مطالعه در زمینه آسیب های اجتماعی به عنوان ضروری ترین اقدام

محسوب می شود. بنابراین از اینگونه تحقیقات که علل فرار دختران از منزل را شناسایی می کند اقدام اساسی جهت پیشگیری از وقوع حوادث و بروز مشکلات روانی می باشد.

هرگاه والدین، مربیان و مسئولین امور با عوامل بوجود آورنده مشکل آشنا باشند راحت تر می توانند نسبت به پیشگیری از بروز حوادث اقدام نمایند. داشتن

اطلاعات پایه و اساسی پیرامون مشکل برای تصمیم گیری در مورد استفاده از روش های پیشگیری و درمان، بسیار ضروری می باشد و با انجام پژوهش های مختلف پیرامون مشکل فرار دختران از خانه حقایقی روشن می گردد که براساس آن می توان در این رابطه اقدام اساسی بعمل آورد.

بیان مسأله

در مطالعات علمی، میزان کج رفتاری ها و آسیب های اجتماعی با شاخص های متعددی مثل، شاخص های فرهنگی، خانوادگی، اقتصادی مقایسه شده است و به این نتیجه رسیده اند که آسیب های اجتماعی بااستثناء خودکشی تنها با بحران های اقتصادی رابطه نداشته و جریان زندگی ماشینی و بهزیستی و تعارض هنجارها در پیدایش کج رفتاری ها و بیماری های اجتماعی تاثیر بیشتری داشته است. مسائل اجتماعی مثل بیکاری، تراکم جمعیت، محل زندگی نامناسب، عدم مراقبت های بهداشتی مشکلات آموزشی، بزهکاری جوانان، اختلافات روانی، تعارضات اخلاقی، هزینه جنگ ها و تخریب آنها هر یک زمینه مساعدی برای ناسازگاری های اجتماعی است.

در عصر جدید، با پیشرفت تکنولوژی توجه به ارزش های مادی و بی توجهی نسبت به امور معنوی، اخلاقی، اعتقادی و اختلاف بین دو نسل (والدین و

فرزندان) بیشتر می شود. در نتیجه تعاملات و روابط انسانی در خانواده و سپس در جامعه، خدشه وارد می شود. پرورش محیط نامساعد، به بیکاری و ولگردی افراد کمک می کند و ولگردی نیز به نوبه خود به ازدیاد ارتکاب جرایم منجر می شود.

دوران نوجوانی، دوره بحرانی است که فرد باغلیان احساسات و تغییر حالت های آنی روبروست، معمولا دارای خلقی سرکش است در زمینه تغییر عقاید و ایدئولوژی کنجکاوی به خرج می دهد و انتظاراتش از زندگی بیشتر می شود. نوجوان معمولا بدنبال استقلال فکری است و سعی می کند خود را با معیارهای جدید و دلخواهش هماهنگ سازد و به همین خاطر با اولیاء مدرسه و والدین خودش، اختلاف عقیده پیدا می کند.

معمولا والدین خواستار ارزش های سنتی هستند ولی نوجوانان پذیرای این ارزش ها نیستند و معیارهای جدید فرهنگی را بیشتر می پسندند. جوانان استقلال فکری و استقلال در تصمیم گیری را حق مسلم خود می دانند، در حالی که والدین فرزندان و نوجوانان خود را به عنوان کودکانی فرض می کنند که قدرت تصمیم گیری درست را ندارند. با عمیق شدن این اختلافات رابطه عاطفی نیز تحت تاثیر قرار می گیرد و نوجوان احساس خلا و تهی بودن می کند و فضای منزل و مدرسه را برای خود غیر قابل تحمل می داند و چون در این دوره قدرت خطرپذیری فرد فوق العاده بالاست، ممکن است برای اثبات حقانیت خود، دست به کارهای مخاطره آمیز بزند و محیط خانواده را ترک کند.

اهمیت ضرورت پژوهشی

انسان به عنوان موجودی منحصر به فرد و اشرف مخلوقات، مسائل و مشکلات

پیچیده ای دارد که تحلیل و حل و فصل آنها نیاز به تعمق و دید همه جانبه دارد.

هر فرد ظرفیت روانی خاصی دارد که غفلت از آن جامعه بشری را با تهدید و خطر

روبرو می سازد. امروزه بسیاری کودکان و نوجوانان بدون آینده مشخص و امیدوار

کننده همراه با احساس اضطراب، بی هویتی، سرگردانی در معرض خطر هستند. بر

طبق آمار ۵۵٪ از بزه کارانی که در کانون های اصلاح و تربیت نگهداری می شوند

نوجوانانی هستند که به نحوی فرار از مدرسه و یا فرار از خانه داشته اند. به ویژه

در چند سال اخیر آمار فراریان از خانواده رو به فزونی است و متأسفانه تعداد

زیادی از این آمار را دختران تشکیل می دهند که از نظر جسمی و روانی نسبت به

پسران آسیب پذیرتر هستند.

برای مطالعه و بررسی علمی رفتارهای انسانی، بخصوص در زمینه کجروی، هم از

لحاظ ذهنی به صورت شناخت مفاهیم خاص، و هم به کمک ابزار و وسایل

تحقیق عینی برای گسترش پژوهش های علمی در این زمینه نیازمندیم (فرجاد،

۱۳۷۵).

در هر جامعه برای شناخت چگونگی ماهیت کجروی، ابتدا باید اطلاعاتی در مورد آن جامعه و هنجارهای فرهنگی، یعنی آنچه که به وسیله خود مردم خلق شده و از آن پیروی می کنند داشته باشیم (همان منبع).

در فرهنگ جامعه ایرانی، نوجوانانی که خود مدار هستند و کمتر حاضر به اطاعت و تسلیم در برابر اولیا هستند، خاطی به شمار می روند و همین مسئله باعث تضاد و تعارض بین نوجوان و خانواده می گردد. فرزند این خانواده ها، اکثراً به علت فقدان آگاهی لازم، ناپختگی و عدم بلوغ اجتماعی و فکری چاره مشککش را در فرار می بینند. بدیهی است پس از اقدام به فرار، خطرات زیادی این فرزندان را که به راستی سرمایه های عظیم این مملکت هستند تهدید می کند. از یک طرف سلامتی جسمی، روانی و امنیت فرد در معرض خطر قرار می گیرد و از طرف دیگر سلامتی جامعه تحت تاثیر قرار می گیرد. فرار دختران در مقایسه با فرار پسران به دلیل مسائل فرهنگی جامعه و نیز آسیب های جدی که دختران در

معرض آن هستند و خصوصیات فردی و جنسی این گروه، مشکلات بیشتری را برای آنها و خانواده هایشان ایجاد می کند. به طوری که بازگشت مجدد آنها پس از خروج از خانه حتی برای چند روز قابل پذیرش نیست.

این افراد معمولاً برای رفع نیازهای اولیه خود مثل گرسنگی و داشتن سرپناه مجبورند به سرقت و همکاری با باندهای قاچاق و ... می شود و معمولاً پس از

دستگیری، مدتی را در زندان یا کانون های اصلاح تربیت به سر می برند. در این مراکز نوجوانان راه های بیشتری برای اقدام به بزهکاری یاد می گیرند و متأسفانه بدون هیچگونه اصلاحی و بدون هیچگونه توضیحی به علت و ریشه اصلی فرار، به جامعه و خانواده باز گردانده می شود و از آنجا که مهر فرزند بد و دانش آموز بد به پیشانی آنها خورده است ایندفعه بیش از پیش تحت فشار روانی قرار می گیرند و معمولاً مجدداً اقدام به فرار می کنند و مرتکب جرائمی مثل سرقت، فحشا و یا فروش مواد مخدر می گردند.

تحقیق حاضر در صدد است با جمع آوری اطلاعات، پیرامون علل بروز مشکل فرار دختران از خانه راهگشای اقدامات موثر در زمینه پیشگیری و درمان مشکل مذکور باشد.

اهداف تحقیق:

اهداف اصلی این تحقیق عبارت است از:

نشان دادن درستی این مطلب است که نامساعد بودن و جو عاطفی خانواده، وجود

ارتباط بین دختر و پسر و فشار روانی ناشی از محدودیت های ایجاد شده از

جانب مدرسه احتمال فرار دختران از خانه را افزایش می دهد.

متغیر های تحقیق:

متغیر مستقل: در این تحقیق متغیر مستقل عبارت است از ۱- نامساعد بودن جو

عاطفی خانواده ۲- ارتباط بین دختر و پسر ۳- فشار روانی و عاطفی از جانب

مدرسه و مشکلات تحصیلی ۴- فقر اقتصادی ۵- فقر فرهنگی

متغیر وابسته:

در این تحقیق متغیر وابسته عبارت است از «فرار دختران از خانه»

متغیر تعدیل کننده:

در این تحقیق متغیر تعدیل کننده جنسیت و سن می باشد که به همین منظور

جهت کنترل این متغیرها از دختران سنین ۱۵ تا ۱۸ سال استفاده شده است.

فرضیه های پژوهش

۱- نامساعد بودن جو عاطفی خانواده، احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۲- ارتباط بین دختر و پسر، احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می دهد.

۳- فقر اقتصادی، احتمال فرار دختران را از خانه را افزایش می دهد.

۴- فقر فرهنگی، خانواده (جمعیت زیاد، بیسوادی والدین، مهاجرت) احتمال فرار

دختران را از خانه افزایش می دهد.

۵- احساس فشار روانی از جانب مدرسه و مشکلات تحصیلی، سبب فرار دختران از خانه می شود.

تعاریف عملیاتی متغیرها:

- خانواده: واحد اساسی جامعه است که شامل دو نسل است که با ازدواج، خون و

فرزندخواندگی با هم عهده دار مسئولیت، رشد، ثبات و حفظ خود هستند می باشد (ثنایی، ۱۳۷۵).

- نامساعد بودن جو عاطفی خانواده: عبارت است از حالتی است که خانواده را

دچار مشکل می کند از جمله ناتوانی در کارکرد های خانوادگی، عدم ارضاء

نیازهای اعضای خانواده، روشن نبودن نقش‌ها و انتظارات و روابط نابسامان در بین اعضای خانواده.

- ارتباط بین دختر و پسر: برقراری روابط پنهانی بین دو جنس مخالف پیش از ازدواج.

- فقر اقتصادی: عبارت است از ناتوانی برآورده شدن نیازهای مالی فرد

- فقر فرهنگی: عبارت است از تفاوت‌های خانوارها با هنجارهای موجود در

جامعه و از جمله مهارت و اسکان در محله‌های فقیرنشین، پایین بودن سطح

تحصیلات والدین و کثرت فرزندان در خانواده‌ها (خانواده‌هایی با بیش از ۳ فرزند)

- فشار روانی: احساس تنش و ناراحتی که در اثر یک رخداد برای فرد پیش می

آید و موجب ایجاد اختلال در کارکردهای بدنی و روانی فرد می‌شود.

- مشکلات تحصیلی: هرگونه مسئله‌ای که از روند پیشرفت تحصیلی دانش

آموزان جلوگیری می‌کند مثل برخورد منفی معلمین، مقررات محدود کننده

مدرسه

- فرار دختران از خانه: خروج از خانه توسط دختران ۱۵-۱۸ ساله، بدون اجازه

والدین و به قصد عدم مراجعت به منزل.

- فشار روانی ناشی از محدودیت های ایجاد شده از جانب مدرسه: شامل

ضوابط و قوانین محدود کننده ای است که در مدرسه وجود دارد مثل

محدودیت در تاخیر ورود به مدرسه و غیبت، محدودیت در پوشش و اونیفورم

مدرسه، محدودیت در آرایش، ضعف درسی و ...

تبیین یافته های آماری یافته ها:

فرضیه ۱: نامساعد بودن جو عاطفی خانواده احتمال فرار نوجوانان از خانه را

افزایش می دهد.

براساس یافته های آماری خی دو مشاهده شده با سطح $99/9$ درصد معنادار بوده

است. یعنی بین وضعیت عاطفی خانواده و عضویت در گروه دختران فراری و

عادی ارتباط معنادار وجود دارد و نتیجه می شود که جو عاطفی نامناسب در

خانواده احتمال فرار را افزایش می دهد. یافته پژوهش حاضر نشانگر تأیید فرضیه

فوق می باشد.

پژوهش های نزدیک به موضوع نتایج فوق را مورد تأیید قرار می دهند.

دکتر کاپادیا در یک تحقیق همه جانبه روی سیصد نفر نوجوان فراری از خانه که

در کانون اصلاح و تربیت شهر بمبئی نگهداری می شوند به نتایج زیر دست یافت.

۷۱/۴ درصد پسران و ۵۷/۸ درصد دختران نوجوان فراری از خانه به دلیل بدرفتاری والدین یا سوء رفتار ناپدری و یا نامادری، از خانه فرار کردند.

محمد سعیدی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (بررسی فرار

جوانان از خانه) به مقایسه‌ی پاسخ‌های ۶۰ نفر نوجوان فراری و عادی پرداخته

است، یافته‌های پژوهش وی بدین شرح می‌باشد:

نابسمانی خانواده، سردی روابط عاطفی والدین متارکه و طلاق، وجود ناپدری و

نامادری، فقر فرهنگی، بیسوادی و اعتیاد از مهمترین عوامل برانگیزاننده‌ی تمایل به

فرار در نوجوانان بوده است (سعیدی ۱۳۷۲).

بدین ترتیب نتایج بررسی فرضیه ۱ پژوهش با یافته‌های پژوهشی دیگر در این

زمینه کاملاً مطابقت دارد.

فرضیه ۲: ارتباط بین دختر و پسر، احتمال فرار دختران را از خانه افزایش می

دهد. براساس یافته‌های آماری، مقدار χ^2 دو مشاهده شده در سطح ۹۹/۹ درصد

اطمینان ارتباط معنادار بوده است و نشان می‌دهد که بین ارتباط با جنس مخالف و

عضویت در گروه دختران عادی و فراری از نظر آماری رابطه معنادار وجود دارد.

یعنی میزان ارتباط با جنس مخالف در گروه فراری بسیار بیشتر از گروه عادی می

باشد و به نظر می رسد که بین اقدام به فرار دختران از خانه و ارتباط با نامحرم رابطه وجود دارد.

تفاوت پژوهش حاضر، تحقیقات قبلی در ارتباط با فرضیه شماره ۲ است که تحقیقات خارجی به علت فرهنگ خاص خود و پذیرش فرهنگ ارتباط پسران و دختران به این مورد، به عنوان مشکل پرداخته اند و تحقیقات داخلی نیز تاکنون اشاره ای به این مطلب نداشته است.

با این وجود پژوهش های نزدیک به موضوع نتایج فوق را مورد تایید قرار می دهند.

لالور (۱۹۹۹) در اتوبی روی تعدادی از نوجوانان دختر و پسر خیابانی تحقیقاتی انجام داد و نتیجه گرفت که برای پسران حملات فیزیکی و برای دختران آزارهای جنسی وجود داشت. ۴۴٪ از دختران «ریپ» داشتند و بیش از ۲۶٪ آنها مورد حمله و آزار جنسی بودند.

کلاوس، پارادایش - گینرلرجا (۲۰۰۰) روی ۳۴۶ نفر نوجوان بی خانمان مطالعه ای انجام دادند و نتیجه گرفتند که این نوجوانان شرایط بسیار سخت را گذرانیده بودند و عمدتاً اختلالات روانی داشته اند. در تاریخچه زندگی آنان سوء رفتار فیزیکی در کودکی، حملات فیزیکی در خیابان و اختلالات جنسی در کودکی، آزار و اذیت های جنسی در خیابان ها و اختلالات و درگیری های روانی وجود داشت.

و عقیده (اکرسون) بین فرار از مدرسه یا خانه و دزدی و شرکت در دزدی های دسته جمعی، کشیدن سیگار، قمار کردن و استعمال مواد مخدر در پسران رابطه مستقیمی وجود دارد و اغلب همزمان رخ می دهد. در مورد دختران ماندن در خیابان ها به مدت طولانی، تمایل به جنس مخالف، کشیدن سیگار و استعمال مواد مخدر با فرار از مدرسه ارتباط دارد (میلانی فر ۱۳۷۴)

فرضیه ۳: فقر اقتصادی گرایش به فرار دختران را افزایش می دهد.

با توجه به اینکه براساس یافته‌ی آماری بین وضعیت اشتغال پدر و دختران ارتباط معنادار وجود دارد ولی بین میزان درآمد پدر با عضویت دختران آنها در گروه عادی و فراری ارتباط معناداری وجود ندارد. بنابراین احتمال می رود منابع درآمد اینگونه خانواده ها از راه های غیر قانونی باشد.

مقدار χ^2 دو مشاهده شده حاصل از یافته های پژوهش در سطح ۹۵ درصد اطمینان $\chi^2 = 6/84$ تفاوت معنادار نمی باشد. با وجود تفاوت در

توزیع مشاغل پدر بین گروه عادی و فراری و بیشتر بودن تعداد بیکاران در گروه فراری اما بین میزان درآمد والدین به عنوان مهمترین شاخص اقتصادی، تفاوت معنادار مشاهده نشد. بنابراین فرضیه سوم تحقیق رد شده است. که ممکن است رد فرضیه به علت کسب درآمدهای کاذب و جانبی در خانواده دختران فراری باشد.

زیرا نتیجه این پژوهش با پژوهش های نزدیک به موضوع در این زمینه هم خوانی ندارد.

فولادی (۱۳۷۶) بیان می دارد که با بررسی دقیق تحقیقات مرتبط با موضوع فرار دختران از خانه می توان عنوان کرد که فرار دختران از منزل با عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی مرتبط است. وضعیت اقتصادی ضعیف، فقر فرهنگی، روابط نامناسب بین والدین و اختلالات رفتاری شدید پدر یا مادر به عنوان رایج ترین علل بروز فرار دختران از منزل شناخته می شود.

در بررسی که بر روی نوجوانان فراری فیلیپین صورت گرفته است، دلیل عمده بروز این پدیده را رشد ناجور و برابری های اجتماعی که بر فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیر می گذارد، عنوان کرده است (سیلوا ۱۹۹۶)

لیروکس (۱۹۹۶) دلایل انتخاب زندگی خیابانی را برای کودکان، نداشتن خانواده مناسب، گرسنگی، کمبود غذا، خشونت های خانوادگی، کسب پول زیاد و سریع و شرایط بد خانوادگی، عنوان می کند.

بدین ترتیب همان طور که ملاحظه می شود یافته های تحقیقات انجام شده نیز یافته پژوهش حاضر را مورد تایید قرار می دهند.

کانگر و دیگران در سال ۱۹۹۳ تحقیق تحت عنوان ارتباط فشارهای اقتصادی خانواده و سازگاری دختران نوجوان بر روی ۲۲۰ دختر کلاس هفتم در ناحیه

(میدوست) انجام دادند. نتایج نشان داد که فشار اقتصادی خانواده سازگاری

مناسب دختران نوجوان را دچار اختلال می کند.

فرضیه ۴: فقر فرهنگی خانواده (تحصیلات والدین، اعتیاد والدین و کثرت اولاد)

احتمال فرار دختران از خانه را افزایش می دهد.

مقدار خبی دو مشاهده شده حاصل از یافته پژوهشی در ارتباط با فرضیه ۱ در سطح

۹۵ درصد اطمینان معنادار بوده است و نشان می دهد که وضعیت فرهنگی و سطح

تحصیلات پدران، اعتیاد والدین، دختران گروه عادی و گروه فراری به طور

چشمگیری معنادار بوده است و با هم تفاوت دارند. بنابراین نتیجه می گیریم که

فرضیه تحقیق مورد تایید قرار گرفته است.

در پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات خانوادگی «دانش آموزان» که در یکی از

مناطق تهران با نمونه ای بالغ بر ۵۵ نفر دانش آموزان دبیرستانی، انجام شده

مهمترین مشکلات خانوادگی که دانش آموزان عبارت بود از اختلاف والدین، درک

نکردن فرزندان در سنین بلوغ از طرف والدین، تبعیض در بین فرزندان، فقر مالی،

بی توجهی و تحقیر آنان، ایجاد محدودیت در خانواده، بی توجهی نسبت به مسائل

تربیتی و درسی فرزندان، کمبود وسایل و امکانات رفاهی، کثرت عائله و تعداد

زیاد افراد خانواده، جدا شدن والدین از یکدیگر، اختلاف برادران و خواهران، بیکاری پدر و اعتیاد افراد خانواده (شرفی، ۱۳۷۶).

مطالعات بسیاری نشان داده است که متغیرهایی مثل وضعیت اشتغال والدین، سطح تحصیلات والدین و ساخت والدین (سالم بودن یا ناسالم بودن) سن مادر در هنگام تولد کودک، حمایت کم اجتماعی و خانوادگی و وضعیت و موقعیت مکانی خانواده با رفتارهای ضد اجتماعی کودکان و نوجوانان متداعی هستند (رانکین به نقل از عزتی راد ۱۹۹۱).

همان طور که ملاحظه می شود یافته پژوهش حاضر با یافته های تحقیقات دیگر در این زمینه نیز همخوانی دارد. شباهت پژوهش حاضر با تحقیقات قبلی در این است که آزمودنی های گروهی از نوجوانان می باشد و از نظر وضعیت سنی تقریباً در یک دوره سنی هستند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش های قبلی در این است که در پژوهش های قبلی رفتار های بزهکارانه و ضد اجتماعی به طور کلی در نظر گرفته شده است. اما در پژوهش حاضر صرفاً (اقدام به فرار) نوجوانان دختر را مد نظر داشته است.

فرضیه ۵:

احساس فشار روانی از جانب مدرسه و مشکلات تحصیلی سبب فرار دختران از خانه می شود.

طبق یافته های پژوهش مقدار خبی مشاهده شده در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار بوده و نشان می دهد که وضعیت تحصیلی دختران عادی و فراری با هم تفاوت معناداری دارد. یعنی علاقه به تحصیل، انگیزه پیشرفت دخترانی که اقدام به فرار داشته اند بسیار ضعیف تر از دختران عادی است و می توان نتیجه گرفت که وضعیت تحصیلی دختران و اقدام به فرار آنان ارتباط معنادار وجود دارد.

شاخص های مشکلات تحصیلی و فشار روانی ناشی از فضای مدرسه، شامل وضعیت تحصیلی، ترک بدون اجازه از مدرسه، عدم درک مقررات مدرسه، ارتباط با اولیای مدرسه، انگیزه و علاقه تحصیلی و میزان تایید از طرف دوستان می باشد. از یافته های تحقیق این طور استنباط می شود که مشکلات تحصیلی دختران فراری نسبت به دختران عادی بیشتر بوده است و این عامل می تواند یکی از علل

احتمالی افزایش فرار در آنها محسوب شود.

یافته پژوهش حاضر نشانگر تایید فرضیه فوق می باشد.

پژوهش های نزدیک به موضوع، نتایج فوق را مورد تایید قرار می دهند.

تحقیقات نشان داده است که تغییرهای مکرر در مدرسه، مرادود شدن و وجود برنامه های نامناسب تحصیلی موجبات فرار نوجوان را فراهم می آورد. همچنین

وجود تعارض بین آموزش های خانواده با تعالیم مدرسه به طوری که کودکان و نوجوانان قادر به انطباق با شرایط و سازگاری با مقررات خانواده و مدرسه نباشد، باعث اقدام به فرار در آنها می گردد (کرمی نوری، ۱۹۶۸).

تحقیقی توسط خانم یزدان پناه فدائی در سال ۱۳۷۵ تحت عنوان تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی خانواده بر سلامت روانی دختران نوجوان در نمونه ای حدود ۵۴۲ نفر از دانش آموزان سال اول دبیرستانهای دخترانه انجام گرفت. طبق نتایج به دست آمده عواملی که در سلامت عمومی فرزندان موثر شناخته شده اند، عبارتند از: نحوه رفتار والدین در امور تحصیلی فرزندان، تکاپوی درآمد ثابت ماهیانه پدر، تقویت حس استقلال و روحیه خودگردانی در فرزندان، اختلاف نظر بین والدین، مطلوبیت رفتار والدین با فرزندان، میزان رضایت از زندگی والدین و زندگی جداگانه با مادر.

بدین ترتیب نتایج بررسی فرضیه ۵ پژوهش با یافته های پژوهشی نزدیک به موضوع در این زمینه کاملا مطابقت دارد.